

جریان سازی سبک هنری استاد وظیفه امروز ماست

گفت‌وگو با دکتر بهمن نامور مطلق، رئیس پیشین

فرهنگستان هنر درباره گرایش های هنری استاد فرشچیان



ضمن اینکه مشوق هایی هم داشتند یعنی خانواده همراهیشان می کرد. آن دوران چون اینترنت و رسانه های جمعی به این گستردگی وجود نداشت، مردم تمرکز بیشتری داشتند و دقت خوبی روی کارهایشان می کردند.

در چنین شرایط آماده ای، آدم های مستعد فضای بروز استعداد هایشان را می یابند. البته آقای فرشچیان استادان خوبی هم داشتند به ویژه زمانی که وارد هنرستان اصفهان می شوند استادان کم نظیری در حوزه فرش، صنایع دستی، نگارگری، خوشنویسی، قلم کاری و... داشتند.

آموزش های این استادان موجب شده بود فرشچیان ذهن بینارشته ای پیدا کند و نسبت به بقیه برجسته تر شود چون هم کشش درونی به هنر داشت و هم گشودگی بینا زمانی و بینا فرهنگی.

گشودگی بینا زمانی یعنی اینکه او فهمیده بود نمی تواند کار نگارگری اصیلی انجام دهد مگر اینکه با مکاتب پیشین ارتباط برقرار کند، از این رو مکاتب پیشین را مطالعه می کرد و سعی داشت مثنی سازی کند یعنی آن ها را باز تولید می کرد مثل مکتب اصفهان که در قلم گیری هایش تأثیر داشت، یا تأثیر مکتب تبریز بر رنگ آمیزی آثارش، یا مکتب هرات که بر هندسه نگارگری اش اثرگذار بود بنابراین از هر مکتبی، خوشه ای چید که نه مکتب تبریز بود، نه مکتب اصفهان و نه مکتب هرات بلکه سبک جدیدی با تلفیقی متناسب با زمان.

استاد فرشچیان این گشودگی را رها نکرد و با سفر

مرتبط با هنر تربیت شدند. در اصفهان آن دوره به ویژه دوره نوجوانی استاد، همه جا تجلی هنر بود و مردم این شهر در فضای هنر زندگی می کردند یعنی در همه جا، گفتمان و بافت هنری وجود داشت. وقتی در شهر راه می رفتند، آثار نفیس هنری را می دیدند و چشم و گوش و اندیشه شان به شکلی زیبایی شناسانه و هنرمندانه تربیت می شد. موسیقی اصفهان، معماری اصفهان و صنایع دستی اصفهان بافتی را به وجود آورده بود که مردم اصفهان را هنرمند تربیت می کرد. می توان گفت آن زمان محدود اصفهانی ای بوده که هنرمند نباشد و به نوعی همه دستی بر آتش هنر داشتند.

حالا اگر کسی علاوه بر این بافت، در درونش هم میلی به هنر وجود داشت می توانست آدم ویژه ای شود و استاد فرشچیان یکی از این افراد بود یعنی علاوه بر اینکه در یک بافت هنری زندگی می کرد و تربیت خانوادگی، اجتماعی و هنری هم داشت، میل عمیقی به هنر هم در درونش بود مانند استاد امیر هوشنگ جزئی زاده از هنرمندان بزرگ این روزگار که خداوند نگهدارشان باشد و هم دوره استاد فرشچیان بودند.

ایشان برای من تعریف می کرد وقتی بچه بوده در مسیر رفتن به مدرسه، به مسجد شیخ لطف الله که می رسیده، چنان محو تماشای این بنا می شده که مدرسه رفتن را از یاد می برده و تا به خودش می آمده، دیر به مدرسه می رسیده است.

این هنرمندان در چنین شرایطی بزرگ شدند.

زهره کهندل | استاد محمود فرشچیان از بهترین میراث داران هنر ایران بود. هنرمندی که چرخ گردون زمانه هر چند صد سال یک بار، مانند آن را به خود می بیند و حتماً حضور او در زمانه اکنون برای ما که او را درک کرده ایم به ویژه هنرمندان نقاشی ایرانی، خوش بختی و توفیقی تکرار نشدنی است.

هنرمندی که نه فقط آثارش بلکه رفتار و سلوک فردی اش زبانزد عام و خاص بود. نقاش و نگارگری که آوازه اش، مرزهای ایران را درنوردید و شهرتی جهانی یافت تا جایی که یونسکو از او به عنوان نمادی از هنر ماندگار ایران یاد می کند. هنرمندی که هشت دهه از زندگی اش را صرف خلق اثر نقاشی هایی با مضامین ایرانی اسلامی کرد و نه تنها میراثدار مکاتب نگارگری ایرانی بود که خود نیز خالق سبک منحصر به فردی در این هنر شد که می تواند به مکتبی جریان ساز در تاریخ هنر ایران تبدیل شود.

درباره گرایش و نگرش هنری استاد فرشچیان و دلیل ماندگاری آثار ایشان با دکتر بهمن نامور مطلق، رئیس پیشین فرهنگستان هنر، پژوهشگر هنر و مسئول تأسیس دانشگاه هنر های اسلامی ایرانی استاد فرشچیان گفت وگو کردیم که مشروح آن را در ادامه می خوانید.

■ در آغاز نگاهی بر گرایش و نگرش هنری استاد در آثارشان داشته باشید، نگاه ایشان به هنر نقاشی ایرانی چطور شکل گرفت و تربیت شد؟

استاد فرشچیان از کودکی در یک بافت و گفتمان

